

مطالعه جامعه شناختی شهرها و روستاها با تحلیل گرایش های فردگرایانه (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)

فرشاد نجفی اسدالهی

دانشجوی دکتری، گروه جامعه شناسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجید کفاشی^۱

دانشیار، گروه جامعه شناسی واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

به‌رنگ صدیقی

استادیار، گروه جامعه شناسی واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

چکیده

از مشخصه‌های جغرافیای شهری ایجاد مدرنیته و مفهوم گرایش به فردگرایی است که از میان این جغرافیا به وجود می‌آید. ابعاد گوناگون فردگرایی باید در تحلیل و تبیین آن مورد توجه قرار گیرد. بعدی که فرد به دنبال منافع شخصی خود باشد، فردگرایی خودخواهانه نامیده می‌شود. در این پژوهش اثر عوامل سبک زندگی شهری، رضایت از زندگی، عام‌گرایی، و اعتمادتعمیم یافته بر گرایش به فردگرایی خودخواهانه مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله از جهت هدف، کاربردی و از نظر تحلیل، توصیفی-پیمایشی است. برآورد نمونه‌ی فرمول کوکران، ۴۰۰ نفر از میان ساکنان بالای ۲۵ سال جغرافیای شهر تهران می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات افراد نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری اطلاعات صورت پذیرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که رابطه متغیر سبک زندگی شهری و گرایش به فردگرایی، خودخواهانه معکوس و مقدار همبستگی برابر ۰,۵۳۷-، رابطه متغیر رضایت از زندگی و گرایش به فردگرایی، خودخواهانه معکوس و مقدار همبستگی برابر ۰,۶۴۷- و رابطه متغیر عام‌گرایی و گرایش به فردگرایی خودخواهانه، معکوس و مقدار همبستگی برابر ۰,۶۰۸- و رابطه متغیر اعتمادتعمیم یافته و گرایش به فردگرایی خودخواهانه، معکوس و مقدار همبستگی برابر ۰,۶۹۸- شده است. همچنین همبستگی جمعی چهار متغیر سبک زندگی، رضایت از زندگی، عام‌گرایی و اعتمادتعمیم یافته با گرایش به فردگرایی خودخواهانه برابر ۰,۷۸۵- و ضریب تعیین برابر ۰,۶۱۶ به دست آمد. به عبارت دیگر متغیرهای سبک زندگی، رضایت از زندگی، عام‌گرایی و اعتمادتعمیم یافته، به میزان ۶۱,۶ درصد از تغییرات متغیر «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: گرایش به فردگرایی خودخواهانه، سبک زندگی شهری، رضایت از زندگی، عام‌گرایی، اعتمادتعمیم یافته

مقدمه

جغرافیای محل سکونت انسان‌ها تاثیر بسیاری بر نحوه زندگی و نگرش آنها دارد. بدون شناخت و در نظر گرفتن تاثیر جغرافیا بر عوامل موثر بر زندگی انسان نمی‌توان تحقیقی با نتایج درست و واقعی به دست آورد. سیاست گذاری دولتی در ارتقاء زیست شهری با تأکید بر افزایش میزان رضایت از زندگی، چندین دهه است که بسیاری از مسولان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، سطوح مدیریت و برنامه‌ریزی محلی، ملی و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به رشد نقاط شهری و جمعیت شهر نشین در سال‌های اخیر و موضوع کیفیت زندگی و رشد کشور-های در حال توسعه به طور روز افزونی مورد توجه قرار گرفته است. رشد شهر و شهر نشینی بارزترین ویژگی تحولات اجتماعی اقتصادی در دوره اخیر است. لذا همزمان با شهری شدن جامعه ایران، تحلیل پیامدهای آن، از جمله ارزیابی کیفیت زندگی شهری یکی از مهمترین ضرورت‌های مطالعه شهری است. (Ali Asghar Ismailpour, Roshan- Heshmat Mehr Azin, 2018)

در این پژوهش جغرافیای شهر تهران و عوامل موثر بر روند میزان فردگرایی خودخواهانه مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی شهر تهران و گوناگونی فرهنگی ساکنان آن هدف از این تحقیق آن است که بررسی شود علل افزایش فردگرایی خودخواهانه در میان ساکنان این موقعیت جغرافیایی چیست و این هدف را در قالب چهار هدف جزئی تر مشخص می‌کنیم. این اهداف به صورت اهداف بیان شده زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. تعیین رابطه سبک زندگی شهری شهروندان تهرانی و میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه آنان
 ۲. تعیین رابطه رضایت از زندگی شهروندان تهرانی و میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه آنان
 ۳. تعیین رابطه عام‌گرایی شهروندان تهرانی و میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه آنان
 ۴. تعیین رابطه اعتماد تعمیم یافته شهروندان تهرانی و میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه آنان
- برای رسیدن به پاسخ مناسب اهداف تعیین شده هر یک از اهداف را در قالب یک فرضیه تبدیل کرده و در جهت اثبات یا رد آنان بر می‌آییم. بدین منظور چهار فرضیه زیر از اهداف تحقیق به دست آمده است:

۱. بین سبک زندگی شهری شهروندان تهرانی و میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه آنان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین رضایت از زندگی شهروندان تهرانی و میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه آنان رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین عام‌گرایی شهروندان تهرانی و میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه آنان رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین اعتماد تعمیم یافته شهروندان تهرانی و میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه آنان رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به مطالب ارائه شده در فوق و وسعت این کلان شهر می‌بایست از روش‌های آماری برای نمونه‌گیری و انجام تحقیق استفاده کرد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر مکانی یک بررسی مقطعی بوده است. همچنین این پژوهش از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی (توصیفی-تحلیلی) می‌باشد و با مراجعه به اسناد و کتابخانه‌ها و سایت‌های اینترنتی، منابع و مطالب لازم کسب شده است. همچنین این بررسی از نظر شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. از آنجا که روش تحقیق و پژوهش ارتباط مستقیم و نزدیک با موضوع دارد، در این پژوهش از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. همچنین از آنجا که پرسش‌نامه پرکاربردترین تکنیک در گردآوری داده‌هاست، بنابراین در این تحقیق جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق کلیه شهروندان تهرانی بودند که دارای ۲۵ سال سن و بالاتر (≥ 25 سن) هستند. با مراجعه به نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ تعداد افراد جامعه برابر ۶۰۷۶۸۴۴ نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری در این طرح نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، شیوه‌ای از انتخاب است که در آن واحد نمونه، بجای فرد خوشه‌ای از افراد است. با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه‌ی این تحقیق در محدوده وسیعی پراکنده بودند (مناطق ۲۲ گانه شهر تهران)، سه منطقه: ۳، ۷، ۱۲ به صورت تصادفی به روش مذکور جهت نمونه انتخاب شده‌اند. همچنین با استفاده از فرمول کوکران تعداد افراد نمونه ۳۸۴ نفر برآورد گردید اما با توجه به بالا بودن تعداد افراد جامعه، جهت کاهش خطا تعداد افراد نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد.

گرایش به فردگرایی مفهومی مدرن و یکی از شاخص‌های اصلی مدرنیته و شهرنشینی می‌باشد. به باور دانشمندان، کشورهای جهان سوم فردگرا نیستند و دو تن از آنان به نام‌های هوفستد^۱ (۲۰۰۳) و تریاندیس^۲ (۲۰۱۵) ایران را دارای فردگرایی پایین دانسته‌اند. نکته حائز اهمیت آن است که مفهوم گرایش به فردگرایی، مفهومی ساده نمی‌باشد و انواع بسیار مختلفی دارد. در حوزه اجتماعی برخی مانند تونیس^۳ و رایزمن^۴ به ابعاد آسیب‌شناختی آن توجه داشته‌اند و برخی دیگر (مانند دورکیم، توکویل، مرتن و ...) ابعاد مثبت و آسیب‌شناختی آن را توأمان مورد توجه قرار داده‌اند. فردگرایی ابعاد گوناگونی دارد که در تبیین آن می‌بایست به آنها توجه داشت. یکی از شاخص‌های مهم توسعه گرایش به فردگرایی است و با تعاریف (محترم شمردن فرد)، (مستقل بودن فرد)، (اعتماد به نفس)، (باور داشتن خود)، (شکوفای شدن فرد)، (اثر بخش بودن فرد) و ... مربوط می‌گردد و اینها از جمله ارزش‌های مثبت آن است. در مقابل تعاریفی همچون (خودخواهی)، (جلب منافع شخصی به قیمت ضرر و زیان رساندن به جمع)، (برخوردارگی از ویژگی‌های اقتدارگرایانه) و ... معطوف به ارزش‌های منفی و خودخواهانه گرایش به فردگرایی خودخواهانه است. در جامعه مدرن دو گونه فردگرایی ظهور کرده است. اول افراد فردگرایی که منافع شخصی خود را با حفظ منافع

^۱ Hofstede

^۲ Triandis

^۳ Tonnies

^۴ Riesman

جمع دنبال می‌کنند و دوم افراد فردگرایی که فقط به فکر جلب سود و منافع شخصی خویش هستند و برای رسیدن به مقصود خود حاضرند منافع جمع پایمال شود. (Cousteau; quoted by Saburi, 2018: 158).

جامعه ایران بخصوص در دهه‌های اخیر تحت تاثیر تغییرات حاصل از داخل و خارج خود بوده است و ورود وسائل الکترونیکی و شبکه های مجازی و حتی ماشین‌آلات صنعتی، تعارض بین سنت و مدرنیسم را به حد اعلای خود رسانده و تغییرات سریعی را در ایجاد سبک زندگی شهری بر اثر پدیده افزایش مهاجرت از روستا به شهرها را تجربه نموده به گونه‌ای که افراد می‌توانند در طول یک نسل شاهد چند مدل از تغییرات سبک زندگی شهری باشند. فرهنگ مستقیماً بر روی رفتار افراد اثر گذار است و فرهنگ هر جامعه‌ای از قوانین، الگوهای مورد تایید همگانی و ارزش‌ها تشکیل می‌شود. از این رو بررسی و تجزیه و تحلیل الگوهای فرهنگی هر جامعه و همچنین اثری که آن بر تطور و توسعه دارد جهت شناخت دقیق جامعه بسیار ضروری است. یکی از الگوهای فرهنگی موثر در جامعه مدرن که شناخت و بررسی آن بسیار ضروری می‌باشد گرایش به فردگرایی خودخواهانه است. از سوی دیگر عدالت با مسائل اخلاق هنجاری به عنوان بخش اصلی مسائل فلسفه اخلاق، پیوندی وثیق با فرهنگ دارند و می‌توان گفت که عدالت نیز یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه اخلاق است و به همین خاطر امروزه مباحث اخلاق و فرهنگ جایگاه ویژه‌ای در ادبیات اجتماعی برای خود دارد. در اخلاق هنجاری تلاش می‌شود تا اصول اخلاقی تبیین و از آن‌ها دفاع شود. دغدغه اخلاق هنجاری بیان این است که چه عملی درست و چه عملی نادرست، چه چیز مجاز و چه چیز ممنوع است (Davood Ghorbani et al., 2019) از سوی دیگر فردگرایی از شاخص‌های توسعه در جوامع مدرن نیز می‌باشد که دارای ابعاد مثبت و منفی است و ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و اخلاقیات و هنجارهای هر جامعه‌ای دارد. در ابعاد مثبت می‌توان به محترم شمردن فرد، مستقل بودن فرد، اعتماد به نفس و ... و در ابعاد منفی می‌توان به خودخواهی، جلب منافع شخصی و ویژگی‌های اقتدارگرایانه اشاره نمود. این جنبه از هویت شکل گرفته در جامعه مدرن اجازه خودمختاری را به فرد می‌دهد که در عرصه حیات فردی و اجتماعی خود انتخاب و گزینش داشته باشد. گرایش به فردگرایی خودخواهانه یکی از متغیرهای موثر و مهم جامعه‌شناختی است که آگاهی افراد را تحت تاثیر قرار داده و این آگاهی سایر محدوده‌های فردی و اجتماعی فرد را دگرگون می‌کند. به منظور بررسی این آگاهی می‌توان از مفهوم بازاندیشی که گیدنز مطرح کرده است استفاده کرد.

به عقیده گیدنز در جامعه مدرن افراد خود را به آهستگی از تعهد به سنت‌ها رها کرده و از طریق کسب آگاهی‌های جدید که جایگزین سنت‌ها می‌کنند فعالیت‌های خود را سامان می‌بخشند. فضای ایجاد شده به گونه‌ای خواهد بود که مرتباً مردم با گزینه‌های گوناگون مواجه می‌شوند و مجبور هستند که مرتباً تصمیم‌گیری نمایند. وجود چنین فضایی باعث می‌شود که افراد به صورت فعال به این سوال پاسخ دهند که در جهانی که زندگی می‌کنند چگونه دست به انتخاب از گزینه‌های متعدد بزنند. (Giddens; quoted by Saburi, 2018: 84).

فرآیند مدرنیته در جامعه ایران با مهاجرت روزافزون روستاییان به شهرها در قبل و بعد از انقلاب اسلامی اتفاق افتاده است. از این رو بسیار اهمیت دارد که پیامدهای شهرنشینی را در ایران مورد بررسی قرار دهیم. در گذشته شهرها

حاوی بناها و مکان‌های ارزشمندی بود که امکان سکونت انسان را فراهم می‌کرد این بناها که عمل‌کردهای مختلفی داشتند جهت شکل‌گیری نهادهای جمعی، اعتلای ارزش‌های فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری از ارزش‌های ملی و محلی را فراهم می‌کردند. اما امروزه در دوره‌ای به سر می‌بریم که بسیاری از توسعه‌های جدید نابخردانه به عنوان جنایتی علیه بشریت محسوب می‌شود، نابسامانی و بازتاب‌های نامطلوب معماری معاصر شدت یافته و یکی از ابعاد نگران‌کننده روند تحولات حاکم بر معماری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، از بین رفتن هویت‌های کالبدی و تبعات نامطلوب آن همچون ناهماهنگی و یکنواختی است که نه تنها سیمای نامطلوب و محیطی نامانوس را برای ساکنین فراهم کرده، بلکه تمام ابعاد زندگی اجتماعی و زیست محیطی را در جوامع شهری تحت الشعاع خود قرار داده است (Razieh Hamzavi et al., 2019).

پژوهش حاضر را می‌توان در دو بعد کاربردی و بنیادی بخش‌بندی نمود که هم برای جامعه مسئولین و هم برای خانواده‌ها بسیار مفید بوده و آگاهی از آن برایشان دارای ضرورت و اهمیت می‌باشد.

از لحاظ کاربردی با انجام این تحقیق راه‌های بروز‌گرایی به فردگرایی خودخواهانه که تحت تاثیر عوامل جامعه‌شناختی است را می‌توان شناسایی کرد و راهکارهای مناسب برای برخورد با آن و یا کاهش آن به دست‌اندرکاران، مسئولین و خانواده‌ها ارائه داد. اما از لحاظ بنیادی می‌توان گفت که انجام این تحقیق می‌تواند به یافته‌های پیشین ما از لحاظ بینشی و شناختی موارد متعدد نظری را اضافه کند که مبتنی بر شرایط جامعه‌ی فعلی مورد تحقیق ماست. بنابراین در این تحقیق هدف ما شناسایی میزان تاثیر عوامل اجتماعی بر گرایش به فردگرایی خودخواهانه شهروندان تهرانی است.

امروزه گرایش به فردگرایی (منفی) به یک عارضه اصلی حتی در درون خانواده‌ها تبدیل شده است. به طوری که امروزه هر فرد برای خود توده‌ای شده است و جدا از جهان خارج، زندگی عمومی و خصوصی دارد. بنابراین سوال اصلی تحقیق ما این است تاثیر عوامل جامعه‌شناختی بر گرایش به فردگرایی خودخواهانه در جامعه ایران (شهر تهران) به چه میزان است؟

محیط مورد مطالعه

جغرافیای شهر تهران دارای تنوع بسیاری است به گونه‌ای که در شمال این شهر رشته کوه‌های البرز و در جنوب آن دشت کویر وجود دارد. در نتیجه در یک جغرافیای شهری و در یک زمان ساکنان آن در آب و هوا و اقلیمی متفاوت زندگی می‌کنند، به گونه‌ای که هم زمان در شمال تهران شاهد بارش برف و در مناطق مرکزی بارش باران و در جنوب آن آسمان آفتابی است. جغرافیای متنوع شهر تهران و مهاجرپذیری آن هم در قبل و نیز بعد از انقلاب آن را تبدیل به شهری با تنوع اقلیم و قومیت نموده است. عدم وجود یک دستی در ابعاد مختلف در آن ضرورت شناخت این شهر و ساکنان آن را بیش از شهرهای دیگر مهم می‌سازد. در آغاز به جهت روشن شدن بستر تحقیق به توصیف وضعیت اقلیمی و جغرافیایی تهران پرداخته می‌شود.

تهران به عنوان پایتخت ایران دارای بیشترین جمعیت است. این شهر مرکز استان تهران و شهرستان تهران می‌باشد. حدود جمعیت آن کمی بیش از ۶,۵ میلیون نفر برآورد شده است که آن را به بیست و چهارمین شهر پر جمعیت جهان تبدیل می‌کند (Statistics Center of Iran, 2020). تهران با مساحت تقریبی ۷۵۱ کیلومتر مربع سومین کلان شهر پر جمعیت خاورمیانه می‌باشد. از آن جا که شهر تهران از کوهپایه‌های البرز تا دشت‌های جنوبی آن گسترده شده است می‌توان آن را به دو ناحیه کوهپایه‌ای البرز و دشتی تقسیم نمود. این شهر از نظر جغرافیایی در ۵۱ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۳ دقیقه طول خاوری و ۳۵ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۴ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. تهران از لحاظ ارتفاع بین ۹۰۰ تا ۱۸۰۰ متر از سطح دریا می‌باشد. به طور مثال تجریش در شمال تهران دارای ارتفاع حدود ۱۳۰۰ متر و میدان راه آهن دارای ارتفاع ۱۱۰۰ متر می‌باشد. تهران دارای اقلیم نیمه خشک است و نیمی از کل بارش‌های سالانه در زمستان اتفاق می‌افتد (Wikipedia . Tehran . 2020).

با وجود جمعیت زیاد کلان شهر تهران جمعیت خارجی آن بسیار اندک است و قالب افراد ساکن از قومیت‌های گوناگون می‌باشند که آن را به عنوان بزرگترین شهر فارسی زبان جهان قرار داده است. اکثریت ساکنان تهرانی دارای دین اسلام و شیعه ۱۲ امامی هستند. در کنار مسلمانان شهروندان زرتشتی، مسیحی و کلیمی نیز در تهران زندگی می‌کنند (Sociological Association of Iran, 2016. Religion in Tehran). آغاز زندگی در تهران به دوران نوسنگی که با یک جانشینی و اهلی کردن حیوانات، کشاورزی و دامداری همراه است برمی‌گردد. وجود اسکلت‌های ۷۰۰۰ ساله و ابزار سنگی در کاوش‌های باستان شناسان این موضوع را به اثبات رسانده است. هم اکنون شهری به عنوان یکی از مناطق ۲۲ گانه تهران قرار دارد و مجاورت شهری به عنوان یک شهر تاریخی با قدمت ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح و یکی از کهن‌ترین شهرهای جهان و به روایتی در اوستا سیزدهمین شهری که در جهان ساخته شده است هنگام ویرانی در سده هفتم و مهاجرت ساکنان آن به تهران دانش تجارت، ساخت و ساز و شهروندی ساکنان شهری به ساکنان تهران منتقل و باعث رشد و پیشرفت آنان شد. شهر تهران از آغاز پیدایش خود دارای اهمیت بوده است اما با پایتخت قرار دادن آن در سال ۱۱۶۵ توسط آقا محمد خان قاجار اهمیت آن بسیار زیادت‌تر شد. تلاش برای تبدیل تهران به شهری مدرن در دوران پهلوی شدت یافت و این شهر تبدیل به مرکز اداره کشور در دو بعد سیاسی و تجاری گردید. (Municipality of Tehran 2019... History of Tehran)

انقلاب ۵۷ و جنگ تحمیلی روند مدرنیزاسیون را برای مدت حدود ۱۰ سال به تاخیر انداخت و در این مدت توسعه زیادی در تهران صورت نگرفت. پس از این دوران توسعه تهران در دو بعد مدرنیزاسیون و وسعت ادامه یافت و این شهر را به کانون پذیرش مهاجرت از سراسر کشور تبدیل کرد. می‌توان گفت شهر تهران کانون اقتصاد ایران است و اولین منطقه اقتصادی ایران محسوب می‌شود. اما بر خلاف کشورهای حوزه خلیج فارس فعالیت اقتصادی بین‌المللی در میزان اشتغال شاغلان نقش قابل توجهی ندارد. یک پنجم تولید ناخالص ملی کشور که مهمترین متغیری است که در تجزیه و تحلیل و ارزیابی‌های اقتصاد کلان از آن استفاده می‌شود در شهر تهران است. تهران با جای دادن حدود ۵۰ درصد از صنایع ایران در خود نقش مهمی در اقتصاد ایران ایفا می‌کند. (Seyed Mohsen Habibi, Mina Rezaei)

2013)). امروزه گردشگری به عنوان صنعتی جذاب و رو به رشد مورد توجه قرار گرفته است، به ویژه گردشگری سلامت که با روح و جسم گردشگران در ارتباط است. گردشگری سلامت نوعی از گردشگری است که به منظور حفظ، بهبود و حصول مجدد سلامت جسمی و ذهنی فرد انجام می شود. با توجه به افزایش فشارهای روزمره فردی و اجتماعی این نوع گردشگری جایگاه ویژه ای در میان انواع دیگر گردشگری پیدا کرده است (Reza Ashja et al., 2019). جغرافیای شهر تهران این شهر را به کانون گردشگری نیز تبدیل کرده است به گونه ای که شرایط آب و هوایی متنوع از کوهپایه تا دشت، وجود کاخها و موزه های متعدد گردشگران بسیاری را به خود جذب نموده است. بلندترین برج ایران به نام برج میلاد در شهر تهران قرار دارد. نخستین بار در برج آزادی که نماد شهر تهران است از منشور کوروش کبیر پرده برداری شد. تهران نخستین شهر در خاورمیانه است که میزبان بازی های آسیایی شد. این بازی ها در ورزشگاه آزادی که در زمان خود یکی از پیشرفته ترین ورزشگاه ها بود برگزار گردید. (Department of Civil Engineering, Sabzevar Teacher Training University, 2009)

شهر تهران دارای ۲۲ منطقه و ۱۲۲ ناحیه می باشد. اداره شهر توسط شهرداری صورت گرفته و شهردار توسط شورای شهر انتخاب می شود. تهران با قرارداد نهاد ریاست جمهوری و وزارتخانه ها، مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه در خود عملاً به مهم ترین مرکز سیاسی کشور تبدیل شده است.

به دلیل آن که شمال تهران دارای ارتفاع بیشتری است و فعالیت های اقتصادی و تولیدی در این منطقه بسیار کمتر از سایر نقاط جنوبی شهر صورت می پذیرد و از سوی دیگر پوشش گیاهان دامنه ها و بزرگراه ها موجب وجود هوای خنک تر نسبت به سایر نقاط شهر شده است. جهت وزش عمده باد در شهر تهران از شمال غربی به جنوب شرقی می باشد. از سوی دیگر با سرد شدن سریع رشته کوه های البرز در شمال شهر تهران و ایجاد کانون پر فشار در محدوده توجال نسیم ملایمی از سوی کوه به سمت تهران وزیده و در ماه های گرم سال باد از دشت کویر به سوی شهر می وزد. و تقریباً در تمامی طول سال بادهای غربی در تهران وزیده و غرب تهران را همواره در معرض هوای تازه قرار می دهد. در هنگامی که فشار این باد زیاد شود موجب کاهش آلودگی هوای تهران خواهد شد. (Wikipedia Tehran . 2020).

از بعد جمعیت شناسی تهران دارای گوناگونی گروه های قومی است. در زمان انتخاب تهران به عنوان پایتخت جمعیت آن ۲۰ هزار نفر بود. اما امروز این شهر پر جمعیت ترین شهر باختر آسیا بوده و میزان رشد جمعیت آن سالانه ۱,۷۹ درصد می باشد. جمعیت سالخورده تهران به نسبت سایر شهرهای ایران بیشتر است و مناطق شمالی شهر دارای جمعیتی با میانگین سنی بالاتر و در حاشیه دارای جمعیتی با میانگین سنی جوان تر می باشند. در دوره پهلوی اول با از میان رفتن خندق ها و دروازه ها و اصلاح راه ها شهر شکلی منظم و هندسی تری گرفت. مهاجرت وسیعی در این دوره به تهران صورت پذیرفت و جمعیت به حدود ۵۴۰ هزار نفر رسید. در دوران پهلوی دوم به دلیل ساخت بزرگراه ها، خیابان ها، بلوارها، شهرک های تازه و ساختمان های بزرگ شهر تهران به یکی از شهرهای بزرگ آسیا تبدیل شد و در سال ۱۳۵۵ جمعیت آن به حدود چهار میلیون و پانصد هزار نفر رسید. در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل واگذاری زمین به تعاونی ها و ایجاد خانه های ارزان قیمت تهران گسترش بیشتری

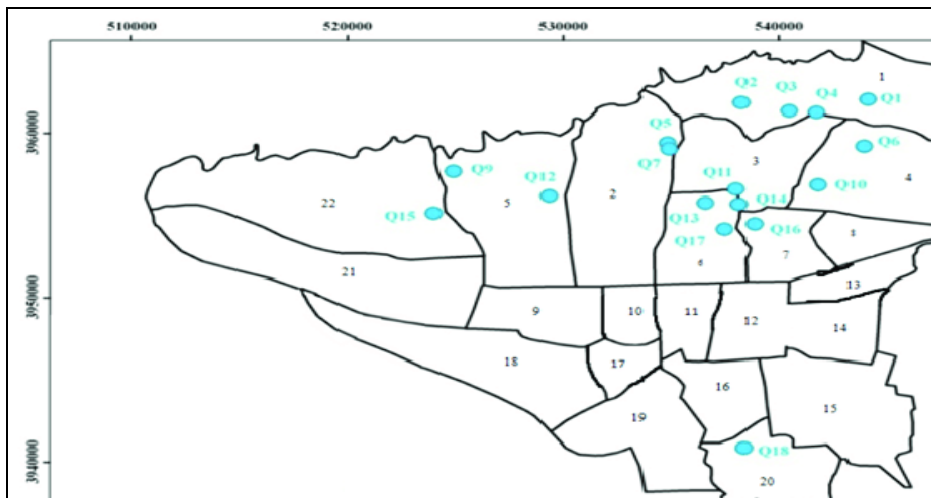
یافت و مهاجران بیشتری را در خود جای داد به طوری که در سال ۱۳۶۵ جمعیت آن به حدود ۶ میلیون نفر رسید. این روند افزایشی ادامه داشته به طوری که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت تهران به ۸,۵ میلیون نفر رسیده است. (Statistics Center of Iran.2020)

از لحاظ فرهنگی تهران بیشتر تحت تاثیر فرهنگ ایرانی و فرهنگ عربی اسلامی است. منظور از فرهنگ ایرانی آداب و سنتی است که از پیش از مهاجرت آریایی‌ها تا زمان اکنون را در بر می‌گیرد. این دوران شامل پادشاهی مادها، امپراتوری هخامنشیان، حکومت اشکانیان و ساسانیان، حمله اعراب به ایران، حمله مغول و دوران صفویه است و از نظر جغرافیایی منظور ایران پهناور و قدیم است که کشورهای همسایه را شامل می‌شود. از نمادها و رسوم فرهنگ ایرانی می‌توان به گویش زبان فارسی، جشن‌های ملی از جمله نوروز، شب یلدا، موسیقی سنتی ایرانی و بسیاری سنت‌های ایرانی که در شهر تهران پس از گذشت هزاران سال توسط مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد اشاره کرد. منظور از فرهنگ عربی آن دسته از دستورالعمل‌های دین اسلام است که توسط پیامبر اسلام، قرآن و اهل بیت به ما رسیده است و شهروندان تهرانی با اکثریت بسیار بالایی مسلمان، شیعه ۱۲ امامی بوده و در زندگی روزمره خود از ترکیبی از فرهنگ ایرانی و اسلامی - شیعی بهره می‌گیرند. از نظر موقعیت قرار گرفتن مراکز فرهنگی شهر تهران دارای بیشترین مراکز تخصصی می‌باشد. وجود بیشترین سالن‌های سینما، تئاتر، برگزاری جشنواره‌های مختلف در این شهر به نسبت سایر شهرهای کشور، تهران را تبدیل به شاخص ساختار فرهنگی نموده است. (Sociological Association of Iran.2016.Religion in Tehran)



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی ایران

Source: gitashenasi.com/Provinces-map-of-Iran



نقشه ۲: نقشه شهر تهران

Source: gitashenasi.com/tehran

چارچوب نظری

تونیس ریشه‌ی جامعه‌ی جدید را در انواع تازه‌ی ارتباط می‌داند. به عبارتی، وی معیار تفکیک و تمایز میان جهان قدیم و جهان جدید را نه در سازمان یا ساخت نهادین و عوامل بیرونی، بلکه در روابط میان افراد جستجو می‌کند. تونیس با تمایز میان گمین شافت (اجتماع) و گزل شافت (جامعه) بر تحول روابط اجتماعی تاکید دارد. گمین شافت به نوعی سازمان اجتماعی گفته می‌شود که مشخصه‌ی آن روابط نزدیک میان فردی و احساسات دوسویه‌ی پیوند دهنده‌ای است که انسان‌ها را به عنوان اعضای یک کلیت اجتماعی گرد هم می‌آورد. گمین شافت، کنترل اجتماعی قوی ولی غیررسمی است و از طریق سنت از جمله سنت دینی، خانواده و دوستان عمل می‌کند. در مقابل، مشخصه‌ی گزل شافت شکل بروکراتیک‌تر و غیرشخصی‌تر سازماندهی و کنترل اجتماعی ناشی از قرارداد اجتماعی به پشتیبانی دولت است. تفکیک گمین شافت و گزل شافت، بر تمایز روانشناختی میان «اراده‌ی ارگانیک»، غریزی و عاطفی که مبین وضعیت کلی فرد و درگیری فعال خود انگیخته‌ی اوست، و «اراده‌ی سنجیده» که ناشی از تفکر انتزاعی و عقل حسابگر، که در جستجوی قدرت و در خدمت خودخواهی و جاه طلبی اوست، قرار دارد. میان اراده‌ی ارگانیک سرشار از زندگی و اراده‌ی سنجیده‌ی تهی از احساسات بشری سودجویانه، همان تضاد قدیمی میان احساس و عقل به چشم می‌خورد. (Casno, 2008: 20)

اراده‌ی ارگانیک با اجتماعی مطابقت دارد که براساس روابط طبیعی، خونی، محیطی و عاطفی بنیان گرفته است و به اقتصاد بسته‌ی شبیه اقتصاد خانگی منتهی می‌شود. موازین حقوقی اجتماع که متناسب با چنین وضعیت اجتماعی است، بر منزلت و تعلق یا تصاحب استوار است. در مقابل، اراده‌ی سنجیده با جامعه مطابقت دارد که ترکیب مجردی است از افراد؛ یعنی مجموعه‌ای از افراد که روابط آنها با هم براساس منافع است. در این جا عقل است که بر همه چیز نظارت دارد و روابط عاطفی را مهار می‌کند. اصل حاکم بر چنین جامعه‌ای، ایجاد تناسب ریاضی میان وسایل و اهداف است، و همین اصل است که ضوابط و قوانین مبادله، تجارت و صنعت را شکل می‌دهد. در چنین جامعه‌ای نظیر آن چه به سرمایه‌داری منتهی می‌شود، عقل حسابگر و سلطه‌گر حکم می‌کند که هر کس به فکر خود باشد و

برای خود تلاش کند. در جامعه، افراد حکم مهره‌هایی قابل تعویض را دارند. موازن حقوقی متناسب با این چارچوب برقرار داد و تملک استوار است. تملک برخلاف تصاحب، چیزی جز رابطه‌ی کاملاً حقوقی میان فرد و شیء نیست؛ یعنی شیء تنها وسیله و یا فرصتی است برای سوداگری. (Same: 24)

به لحاظ ارتباطی، اجتماع و جامعه دارای سه «سطح یا گستره‌ی ارتباط»، «عمق ارتباط» و «نوع ارتباط» متفاوت هستند. در اجتماع (گمین شافت): ۱. ارتباط محدود است. اجتماع با تراکم انسان‌ها روبرو نیست و تنهایی و بی‌خبری معنا ندارد؛ ۲. ارتباط عمیق است. در اجتماع، ارتباط ناشی از سطح و فضای ظاهر نیست. اعضا همدیگر را می‌شناسند و واکنش‌های یکدیگر را پیش‌بینی می‌کنند. لذا ارتباط دارای پیشینه و عمق قابل توجه‌ای است. حتی گذشته‌های خانوادگی افراد را دربر می‌گیرد و به ویژگی‌های آنی و کنونی محدود نمی‌شود؛ ۳. ارتباط ارگانیک یا ذاتی و طبیعی است. اجتماع نوعی جامعه‌ی معنوی است که در آن، هر حرکت نه در خدمت فرد و مصالح شخصی، بلکه در خدمت جمع است. وسیله و هدف از یکدیگر جدا نیست. مشارکت فراگیر و بی‌چون و چراست. همبستگی اجتماعی، وفاق و ذوق روانی در آن وجود دارد. اراده‌ی ارگانیک بر پایه‌ی احساس و تجربه‌ی مشترک مثل سلیقه و سنت بنا می‌شود. در جامعه (گزل شافت): ۱. ارتباط گسترده است. جامعه از انسان‌های فراوان در فضای محدود تشکیل می‌شود که خود موجب عدم امکان شناخت متقابل می‌شود. این نوع تجمع، روابط صوری و قراردادی و نهایتاً تنهایی انسان را در پی دارد؛ ۲. ارتباط سطحی است. ارتباط در جامعه سطحی و گذراست و اعضا بیشتر به ظاهر و اطلاعات محدود و مورد نیاز اکتفا می‌کنند؛ ۳. ارتباط سنجیده است. در گزل شافت هر عمل انسان، تابعی از عقل‌گرایی و مصلحت‌اندیشی است. اعضا در گزل شافت برای دستیابی به هدف که عمدتاً اقتصادی است با هم قرارداد می‌بندند و روح حسابگری میان وسایل و اهداف، تعیین‌کننده‌ی رابطه‌ی بین اعضاست.

دوگانه‌ی گمین شافت و گزل شافت را باید به لحاظ مفهومی، دو قطب یک پیوستار دانست؛ چرا که کلیت واقعیت تاریخی و اجتماعی بین این دو قطب در نوسان است. تونیس مینویسد: «هیچ فرهنگ یا جامعه‌ای را سراغ ندارد که در آن عناصر گمین شافت و گزل شافت به طور همزمان حضور نداشته باشند» (Ibid: 101)

رابرت جی دان، مدرنیته را دوره‌ی همزیستی شکننده و پرکشاکش اجتماع و جامعه میدانند که در آن فرد مدرن بر اثر کشش متعارض درونی، دو نیمه شده است؛ یکی میل به حیات در قالب اجتماعات و دیگری جاذبه‌ی امکانات آزادی بخشی که در زندگی در جامعه‌ی بزرگتر وجود داشت. وی این سائقه‌ها و کشش‌های متعارض را منشأ پیدایش دو نوع هویت متفاوت تلقی می‌کند: نخست نوعی «هویت جمعی» بسته که افراد را در مقام اعضای گروه‌ها یا رده‌های جداگانه از هم متمایز می‌سازد و دوم، نوعی «هویت شخصی» مستقل‌تر که بر پایه‌ی کیفیات منحصر به فرد و دستاوردهای فردی استوار است. (Dan, 2014: 44)

خاستگاه‌های فردگرایی

در بسیاری از بخش‌های جهان جابجایی و دگرگونی از جمع‌گرایی به سمت فردگرایی آشکار شده است. تمکن و رفاه مهم‌ترین عامل موثر بر این جابجایی و دگرگونی است. هوفستد در تحقیق خود (۲۰۰۳) همبستگی ۰/۸۰ را بین

رتبه یک کشور در نمره فردگرایی و درصد تولید ناخالص ملی آنها یافت. فرهنگ‌های پیچیده تمایل دارند که فردگراتر باشند. وجود درون‌گروه‌های بالقوه این فرصت را به افراد می‌دهد که می‌خواهند در درون گروه‌ها باقی بمانند یا آن را ترک کنند. همچنین ثروت و رفاه با داشتن خانواده‌های کوچک (هسته‌ای) و خانواده‌های دارای یک فرزند مرتبط است. در خانواده‌های کوچک، والدین فرزندانشان را فردگراتر بار می‌آورند و فرزندان این خانواده‌ها تمایل به فرد محوری دارند. (Barry, 1979, 1994; quoted by Mirzaei, 2005: 184).

همچنین، در اغلب فرهنگ‌ها، خصوصاً فرهنگ‌های پیچیده صنعتی، طبقات بالا بر خود اتکایی و استقلال تاکید بیشتری دارند و فردگرا هستند، در حالی که طبقات پائین اجتماعی بر اطاعت در تربیت فرزندانشان تاکید بیشتری داشته و تمایل به هم‌نوايي دارند. رسانه‌های جمعی مدرن نیز جابجایی از جمع‌گرایی به فردگرایی را افزایش داده‌اند. از سوی دیگر مهاجرت و حرکت‌های اجتماعی و جغرافیایی فردگرایی را ترویج می‌دهند. آنهایی که به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند فردگراتر هستند و بالتبع حرکت از روستا به شهر نیز با فردگرایی همبسته است. عمل تربیت فرزند در فرهنگ‌های فردگرا بر خود مختاری، خلاقیت، خوداتکایی و استقلال از خانواده تاکید می‌کند و در فرهنگ‌های جمع‌گرا بر اطاعت، وظیفه، فدا شدن برای درون گروه تاکید می‌کند (Barry, 1979, 1994; quoted by Mirzaei, 2005: 184).

گرایش به فردگرایی و سبک زندگی شهری

سبک‌های زندگی را معمولاً مبتنی بر سازمان اجتماعی مصرف می‌دانند (aleherabi, 2013: 20). ویلن و زیمل، سبک زندگی در کلان شهر و سبک زندگی نوکیسه وار را تحلیل کردند، سبک زندگی که در آن، مصرف چیزهایی مانند پوشاک، زیورآلات شخصی و علایق مفرح پرخرج، نقش محوری داشتند (Baudrillard, 2018: 29). الگوهای مدرن مصرف، از نگاه زیمل، انسانهای جدید را ایجاد می‌کند که نگران حفظ خودمختاری و فردیت وجود خویش در تقابل با نیروهای چیره اجتماعی هستند. (Baudrillard, 2018: 105). مایک فدرستون عقیده دارد که فرهنگ مصرفی معاصر، معنای ضمنیای معادل فردیت، بیان خویشتن و یک خودآگاهی مبتنی بر سبک پیدا کرده است (Baudrillard, quoted by Saburi, 2018: 46).

رفتار شامل انتخاب‌های فرد و الگوهای رفتار فرد از قبیل استفاده از رسانه یا خرید غذا، [مصرف پوشاک، استفاده از مارک‌ها، استفاده از الگوهای فراغت، استفاده از مد و ...] می‌باشد. از این منظر، با توجه به مفهوم سازی تریاندیس، فردگرایی و جمع‌گرایی در ابعاد خودخواهانه و افقی آن از مهمترین مؤلفه‌های فرهنگی می‌باشد که بر افراد به عنوان مصرف‌کننده، اثر می‌گذارد می‌توان اشاره کرد (Triandis, quoted by Fati, 2012: 256). همچنین، از نقطه نظر جنسیتی، تفاوت‌هایی در نوع مصرف زنان و مردان مشاهده شده است. مطالعات بر روی جنسیت و خودتفسیری نشان می‌دهد که زنان بیشتر خود را در وابستگی متقابل تعریف می‌کنند که ممکن است بر نوع مصرف کالاها توسط آنها تأثیرگذار باشد. ممکن است زنان در استفاده کالاها مصرف گروهی رضایت بیشتری داشته باشند (Baudrillard, quoted by Saburi, 2018: 105). از سوی دیگر ژوفر دو مازیه در رابطه با اوقات فراغت معتقد است

مجموعه فعالیت‌هایی که شخص پس از ارزشیابی از تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی با میل و اشتیاق به آن می‌پردازد و استراحت، تفریح، توسعه دانش یا به کمال رساندن شخصیت خویش، یا به ظهور رساندن استعدادها، خلاقیت‌ها و بالاخره مشارکت آزادانه در اجتماع است (Mirzaei, 202: 2015).

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیقات در این زمینه می‌توان نتیجه گرفت که فردگرایان به فعالیت‌های فراغتی گرایش دارند که انفرادی بوده و خارج از خانه و گروه بتوان به آن پرداخت. همچنین، تمایل به فعالیت‌هایی دارند که آنها را از دیگران متمایز کرده و منزلت اجتماعی آنان را بالا ببرد. گیدنز معتقد است که بدن فقط نوعی موجودیت ساده نیست، بلکه به عنوان وسیله‌ای عملی برای کنار آمدن با اوضاع و احوال و رویدادهای بیرونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Giddens; quoted by Saburi, 2018: 86).

گرایش به فردگرایی و رضایت از زندگی

رضایت از زندگی را به عنوان تفاوت بین آن چه که شخص می‌خواهد و آنچه که هست بیان می‌کنند. در تمامی این تعاریف معیار رضایت از زندگی، ذهنیت فرد است. به این معنا که فرد به لحاظ ذهنی تاچه اندازه بین واقعیت زندگی و ایده‌آل‌های هم‌هنگی احساس میکند. چنان که کمبل رضایت از زندگی را بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت فعلی او میدانند. به عبارت دیگر رضایت از زندگی منعکس کننده احساس و نظر کلی افراد یک جامعه نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کنند. رضایت از زندگی یک مفهوم ذهنی و منحصر به فرد برای هر انسان است و عموماً به ارزیابی‌های شناختی یک شخص از زندگی اشاره دارد (Abdollahi Gazafroudi, 2016: 71). شناسایی عوامل موثر در میزان رضایت و نارضایتی سکونت ساکنان، می‌تواند در جهت تحلیل وضع موجود سکونتی، تصمیمات آتی به منظور ارتقای سطح کیفی محدوده‌های سکونتی افراد و جلوگیری از تکرار نواقص در سایر مکان‌ها موثر واقع گردد ((Ali Sadeghi et al., 2019))

گرایش به فردگرایی و عام‌گرایی

به عقیده دورکیم، ساختار اجتماعی یک جامعه به گونه‌ای خودکار، اندیشه و رفتار مناسب را در افراد تولید می‌کند. هنگامی که ساختارهای گوناگون در سازگاری طبیعی باشند، سلامتی و به هنجار بودن متداول است. آسیب‌شناسی و بحران هنگامی رخ می‌دهد که ساختارها منظم نباشند به خصوص در دوره‌های انتقالی میان دو صورت که در این مدت صور نامناسب به صورت بقایا می‌مانند یا از میان می‌روند، ولی هنوز صورت مناسب جایگزین آنها نشده‌اند (Leman, 2011: 51-58). در صورت شکست و گسستگی هنجارهای جامعه (آنومی)، فرد قادر به برقراری رابطه‌ی منطقی میان خود و جامعه نیست و نمی‌تواند در متابعت از قوانین، هدف‌ها و رفتار خود را تنظیم کند (Taliban 2017: 54-55). زمانی که مردم متوجه شوند سرنوشت آنها به سرنوشت دیگران وابسته است برای همکاری مشتاق‌تر هستند، از این منظر که ما به دیگران نیاز داریم باید تلاش برای همبستگی ارگانیک ترویج شود (Pasgo and Depoild, 2012, 416-419). جایی که هر فرد در جامعه دارای حوزه‌های عمل و نقشی خاص در

جهت بهبود عملکرد کل جامعه است افراد وابستگی بیشتری به جامعه و نقش‌های دیگر پیدا می‌کنند و در نتیجه آگاهی فردی بیشتر توسعه پیدا میکند. (Edini et al., 2012: 346).

گرایش به فردگرایی و اعتماد تعمیم یافته

دورکیم عامل همبستگی در هر جامعه‌ای را اخلاقی، هنجارها و شیوه‌های رفتار میدانند. وی معتقد است که در عصر حاضر رشد فعالیت‌های اقتصادی، شهرگرایی، فردگرایی، تخصص‌گرایی حرف‌های و رشد دولت بروکراتیک، موجب سستی و از میان رفتن کارکردهای خانواده، مذهب، منطقه و همسایگی شده‌اند که سابقاً مکانیزم‌هایی در جهت پیوند افراد به جمع بوده‌اند (Turner, 2005: 391). اما فوکویاما بیشتر به اعتماد تعمیم یافته توجه دارد او در این باره می‌گوید: اشکال مختلف سرمایه اجتماعی مردم را قادر می‌سازد که به یکدیگر اعتماد کنند از نظر او میزان سرمایه اجتماعی در وسعت و شعاع اعتماد اجتماعی تاثیر دارد (Sadri Bi Balan, 2016: 112-113). اما منشاء مهم اعتماد در نظریه زتومکا علاوه بر اطلاعات، قواعد و هنجارهای جمعی است که از طریق جامعه‌پذیری در درون افراد نهادینه شده و افراد بر اساس آن عمل می‌کنند (Zetomka, quoted by Ghaffari, 2012: 81).

تعریف مفاهیم

فردگرایی خودخواهانه یا خودخواهانه: تعاریف متعدد و متنوعی از فردگرایی ارائه شده است که به طور مبسوط در بخش مبانی مفهومی این مسأله مورد بررسی قرار گرفته است. تعدد تعاریف به تعدد ابعاد این موضوع مربوط است و به همین خاطر باید به آن توجه کافی مبذول داشت. به طور کلی فردگرایی بر این واقعیت مبتنی است که فرد واحد اصلی واقعیت و معیار نهایی ارزش است. فردگرایی مبتنی بر این باور است که هر فرد فی نفسه هدف است و هیچ کس نمی‌بایست به خاطر وجود دیگری فدا شود. فردگرایی بر این دلالت دارد که واحد پیشرفت فرد است. (August von Hayek, quoted by Ranjbar, 2015: 53). بر این اساس فردگرایی عمودی به نوعی از فردگرایی گفته می‌شود که هویت فردی، از نوع متفاوت بودن و برتری نسبت به دیگران تلقی می‌گردد و استقلال افراد به معنای فردیت متمایز یافته و برجسته تلقی می‌گردد. در تحقیقات بین‌فرهنگی، ایالات متحده آمریکا به عنوان سمبل فردگرایی عمودی معرفی گردیده است.

سبک زندگی شهری: اصطلاح سبک زندگی شهری به دلیل گستردگی و کلی بودن مفهوم، به دست دادن یک تعریف مشخص را دشوار می‌سازد. در میان تعاریفی که در ادبیات نظری مربوط به این مفهوم آمده است، شاید بتوان تعریف گیدنز از سبک زندگی را تقریباً دربر گیرنده تمامی تعاریف دانست. به بیان گیدنز، سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است (Giddens; quoted by Saburi, 2018: 325). رضایت از زندگی: رضایت از زندگی نوعی احساس نیک است که شامل ارزیابی قابل مشاهده و درونی از احساسات نیک مادی، جسمانی، و اجتماعی می‌باشد که به وسیله مجموعه‌ای منحصر به فرد از ارزش‌ها اندازه‌گیری می‌شود (Inglehart, quoted by Fazeli and Allameh, 2016: 65).

عام‌گرایی: در سطح نظام فرهنگی، «عام‌گرایی» الگوی هنجاری است که کنشگر را در یک موقعیت معین در سوگیری نسبت به سوژه‌ها براساس استانداردهای عام ترغیب میکند. در سطح نظام اجتماعی، «عام‌گرایی» انتظارات نقشی است که در موقعیت و شرایط مختلف در تصمیم‌گیری برای رفتارهای مختلف بر اساس استانداردهای تعریف شده و مستقل از ارتباط خاص کنشگر با آن سوژه عمل کند (Abdollahi, 2016: 31).

اعتماد تعمیم یافته: جلبی اعتماد را در دو سطح اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته مطرح و تعریف می‌کند. از نظر وی اعتماد بین شخصی داشتن اطمینان به نزدیکان و اعضای خانواده، بستگان و دوستان است. به عبارت دیگر این نوع اعتماد بیشتر در روابط فرد با نزدیکان و دوستان و آشنایان وجود دارد، ولی اعتماد عام فراتر از اعتماد شخصی است. بنا به گفته وی اعتماد عام یا تعمیم یافته داشتن حسن ظن نسبت به همه افراد در روابط اجتماعی جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای است که این امر منجر به گسترش روابط برون‌گروهی می‌شود (Chalabi, 2013: 55).

تجزیه و تحلیل

بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق:

فرضها

H_0 : متغیرها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

H_1 : متغیرها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند.

جدول ۱: آزمون نرمال بودن

متغیر	تعداد	آماره K-S	سطح معناداری
گرایش به فردگرایی خودخواهانه	400	۰/۰۳۲	۰/۷۱۷
سبک زندگی شهری	400	۰/۷۹	۰/۰۵۹
رضایت از زندگی	400	۰/۰۳۳	۰/۶۹۲
عام‌گرایی	400	۰/۱۹	۰/۰۹۳
اعتماد تعمیم یافته	400	۰/۰۴۲۶	۰/۵۴۲

Source: Research findings, 2020

با توجه به اینکه برای همه متغیرها سطح معناداری از ۰,۰۵ بزرگتر شده است، لذا می‌توان گفت تمام متغیرها با اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. بنابراین نتیجه می‌گیریم توزیع نمونه مناسب بوده و نمونه‌گیری به شکل صحیح انجام شده است. همچنین می‌توان از روش‌های پارامتریک جهت آزمون فرضیه‌های مربوط به متغیرهای پژوهش استفاده نمود.

بررسی میزان فردگرایی خودخواهانه افراد جامعه

فرضها:

H_0 : میزان فردگرایی خودخواهانه افراد جامعه بالا نیست ($\mu = 99$)

H_1 : میزان فردگرایی خودخواهانه افراد جامعه بالا است ($\mu \neq 99$).

جدول ۲: آزمون تی تک نمونه ای

متغیر		مقدار آزمون=۹۹				
		فاصله اطمینان	تفاوت میانگین ها	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t
حد بالا	حد پایین					
113.79	111.2	13.495	0.000	399	28.088	گرایش به فردگرایی خودخواهانه

Source: Research findings, 2020

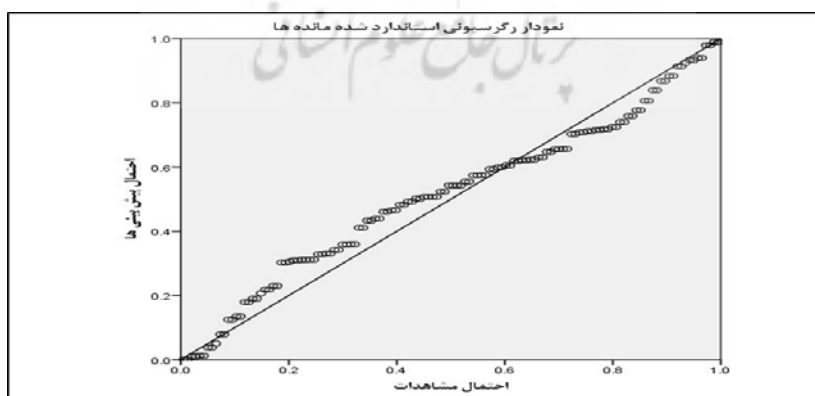
در جدول ۲ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰,۰۵ کمتر و $t_{(399)} = 28.088$ شده است، بنابراین فرضیه پژوهشی پذیرفته می شود و می توان نتیجه گرفت میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه افراد جامعه بالا است. همچنین متوسط نمره گرایش به فردگرایی خودخواهانه افراد جامعه در فاصله (۱۱۱,۲ و ۱۱۳,۷۹) قرار دارد و بیانگر این موضوع است که میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه در جامعه به شدت بالاست. رگرسیون چندگانه برای بررسی میزان اثر جمعی ۴ متغیر مستقل بر میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه: بررسی شروط رگرسیون:

جدول ۳: بررسی شاخص های رگرسیونی

شاخص ها	معیار Tolerance	معیار Vif	فاصله ماهالانویس	فاصله کوک	دروبین-واتسون
مدل	0.777	1.34	17.869	0.019	2.37
سبک زندگی شهری	0.571	1.752	-	-	-
رضایت از زندگی	0.933	1.071	-	-	-
عام گرایی	0.6	1.666	-	-	-
اعتماد تعمیم یافته	0.801	1.248	-	-	-

Source: Research findings, 2020

با توجه به نتایج جدول ۳ از آنجا که برای چهار متغیر مستقل سبک زندگی شهری، رضایت از زندگی، عام گرایی، و اعتماد تعمیم یافته مقدار $Tolerance > 0.1$ و $Vif < 10$ شده است، بنابراین عدم وجود پدیده هم خطی تایید می شود. با توجه به اینکه مقدار $Mahala = 17.869 < 18.47$ و $Cook = 0.019 < 1$ شده بنابراین عدم وجود داده پرت تایید می شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار آماره دروبین-واتسون برابر ۲,۳۷ شده که عددی بین (۱/۵-۲/۵) است، فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می شود.



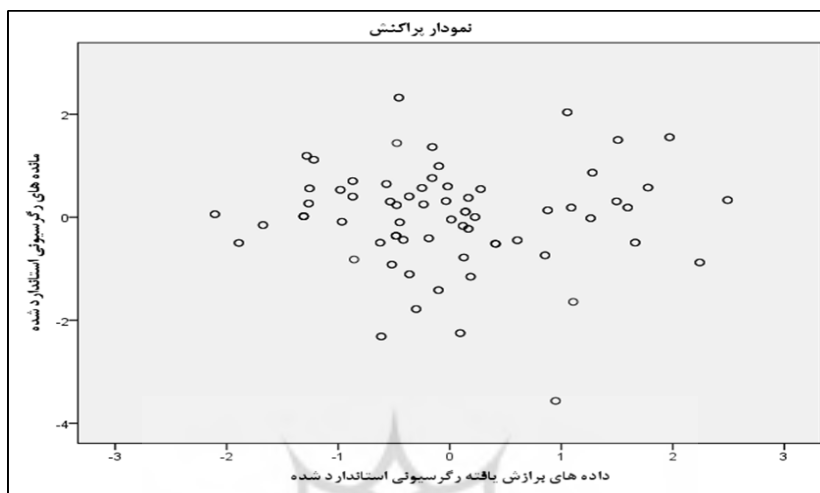
نمودار ۱ نرمال بودن مانده ها Source: Research findings, 2020

جدول ۴: نرمال بودن مانده ها

متغیر	تعداد	آماره آزمون	سطح معناداری
مانده ها	400	1.353	0.051

Source: Research findings, 2020

در نمودار ۱ با توجه به اینکه حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تایید می‌شود. همچنین در جدول ۴ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰,۰۵ بیشتر است فرض نرمال بودن مانده‌ها (خطاها) تایید می‌شود.



نمودار ۲: ثابت بودن واریانس خطاها

Source: Research findings, 2020

نمودار ۲ با توجه به اینکه حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود.

اجرای رگرسیون

با توجه به اینکه تمام شروط برقرار هستند می‌توان رگرسیون را انجام داد.

جدول ۵: خلاصه مدل

شاخص‌ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف از برآورد
مدل	0.785-	0.616	0.610	0.35364

Source: Research findings, 2020

در جدول ۵ ضریب همبستگی متغیر «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» با متغیرهای مستقل برابر ۰/۷۸۵- شده که مقدار بسیار بالایی است. همچنین با توجه به اینکه ضریب تعیین برابر ۰,۶۱۶ شده و عددی قابل قبول است، می‌توان نتیجه گرفت که به درستی به دنبال برآورد رفته‌ایم. این عدد نشان دهنده درصدی از تغییرات «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» است که توسط متغیرهای مستقل طرح، تبیین می‌شود. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل طرح یعنی سبک زندگی شهری، رضایت از زندگی، عام‌گرایی، و اعتماد تعمیم یافته به میزان ۶۱,۶ درصد از تغییرات متغیر «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» را تبیین می‌کنند و توضیح می‌دهند و ۳۸,۴ درصد باقی مانده مربوط به عوامل دیگر است که در طرح حضور ندارند.

جدول ۶: تحلیل مدل

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	میانگین توان دوم داده‌ها	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	2028.408	4	507.102	46.117	0.000
مانده‌ها	1396.501	395	10.996		
کل	3424.909	399			

Source: Research findings, 2020

با توجه به اینکه در جدول ۶ مقدار سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ شده و $F(4 و 395) = 46.117$ شده است، بنابراین در تایید نتایج نمودار ثابت بودن واریانس خطاها، فرض معنادار بودن مدل خطی تایید می‌شود.

جدول ۷: بررسی همبستگی‌ها

همبستگی			متغیرها
سطح معناداری			میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه
Part	Partial	Zero-order	همبستگی
0.257	0.089	0.537	سبک زندگی شهری
0.305-	0.305-	0.647-	رضایت از زندگی
0.252-	0.232-	0.608-	عام گرایی
0.324-	0.331-	0.698-	اعتماد تعمیم یافته

Source: Research findings, 2020

در جدول ۷:

- با توجه به اینکه سطح معناداری مربوط به چهار متغیر «سبک زندگی شهری»، «رضایت از زندگی»، «عام گرایی» و «اعتماد تعمیم یافته» از ۰,۰۵ کمتر شده است، بنابراین رابطه معناداری بین متغیرهای این چهار متغیر و «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» وجود دارد.
- در ستون Zero-order، نتایج نشان می‌دهد با توجه به اینکه همبستگی بین «سبک زندگی شهری» و «میزان فردگرایی خودخواهانه» برابر ۰,۵۳۷ شده است، همبستگی متوسط و مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد با توجه به اینکه همبستگی بین «رضایت از زندگی» و «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» برابر ۰,۶۴۷- شده است، همبستگی قوی و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد از آنجا که همبستگی بین «عام گرایی» و «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» برابر ۰,۶۰۸- شده است، همبستگی قوی و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد همچنین نتایج نشان می‌دهد با توجه به اینکه همبستگی بین «اعتماد تعمیم یافته» و «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» برابر ۰,۶۹۸- شده است، همبستگی قوی و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد.
- در ستون Partial همبستگی بین «سبک زندگی شهری» و «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» با حذف اثر سه متغیر دیگر برابر ۰,۰۸۹ است. همبستگی بین «رضایت از زندگی» و «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» با حذف اثر سه متغیر دیگر برابر ۰,۳۰۵- است. همبستگی بین «عام گرایی» و «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» با حذف اثر سه متغیر دیگر برابر ۰,۲۳۲- است. همبستگی بین «اعتماد تعمیم یافته» و «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» با حذف اثر سه متغیر دیگر برابر ۰,۳۳۱- است
- در ستون Part با توجه به نتایج به دست آمده، متغیر «سبک زندگی شهری» به اندازه ۶,۶ درصد از تغییرات «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» را توضیح می‌دهد. متغیر «رضایت از زندگی» به اندازه ۹,۳ درصد از تغییرات «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» را توضیح می‌دهد. متغیر «عام گرایی» به اندازه ۶,۳

درصد از تغییرات «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» را توضیح می‌دهد. همچنین متغیر «اعتماد تعمیم یافته» به اندازه ۱۰,۴ درصد از تغییرات «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» را توضیح می‌دهد.

جدول ۸: ضرایب مدل

مدل	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta	ضریب	
ضریب ثابت	19.010	2.448	2.047	0.043	
سبک زندگی شهری	1.087	0.086	0.078	0.016	
رضایت از زندگی	-2.436	0.121	0.284	0.000	
عام‌گرایی	-2.405	0.151	0.218	0.008	
اعتماد تعمیم یافته	-3.444	0.113	0.336	0.000	

Source: Research findings, 2020

در جدول ۸ با توجه به اینکه برای ضریب ثابت، «سبک زندگی شهری»، «رضایت از زندگی»، «عام‌گرایی» و «اعتماد تعمیم یافته» سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵، شده است بنابراین هر پنج ضریب معنادار هستند و در مدل باقی می‌مانند. با توجه به توضیحات بالا مدل استخراجی به شکل زیر خواهد بود:

$$+ (-2.436) \times \text{رضایت از زندگی} + (1.087) \times \text{سبک زندگی شهری} = \text{میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه} \\ + (19.010) + (-3.444) \times \text{اعتماد تعمیم یافته} + (-2.405) \times \text{عام‌گرایی}$$

مدل فوق بیانگر این موضوع است که در تحقیق حاضر میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه تحت تاثیر عوامل «سبک زندگی شهری»، «رضایت از زندگی»، «عام‌گرایی» و «اعتماد تعمیم یافته» است

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در منظر فردگرایی، جامعه بر محور اصلی فرد و نه جامعه شکل می‌گیرد و تک تک انسان‌ها، به‌جای اولویت دادن به خواست‌ها و علایق جمعی و مذهبی و خانوادگی خویش، به ارزش‌ها و خواست‌های فردی خود اولویت می‌دهند و در طول دوران زیست، تنها بر ذهنیت‌های خود وقع نهاده و تنها در جهت تحقق امیال، خواسته‌ها، سلیقه‌های خویش تلاش می‌نمایند و هر گونه تبعیت از ارزش‌های جمعی را در قاعده جمع‌گرایانه (Collectivism) نفی نموده و آن را عاملی برای مخدوش نمودن آزادی مطلق و تحت سیطره قرار دادن افراد در نهادهای جمعی می‌نماید و بر اولویت فرد متمرکز است، و بر استقلال و آزادی فرد در مقابل کلیه ارزش‌ها، باورها و میراث فرهنگی در قالب سنت‌ها، رسوم، آیین‌ها، نهاد خانواده و دیگر ساختارهای جمعی تاکید می‌ورزد. این مقاله به منظور بررسی رابطه بین «سبک زندگی شهری»، «رضایت از زندگی»، «عام‌گرایی» و «اعتماد تعمیم یافته» با گرایش به فردگرایی خودخواهانه، گرایش‌های فردگرایانه افراد بالای ۲۵ ساله‌ی تهرانی را مورد بازبینی قرار می‌دهد. ذکر این مطلب بسیار حائز اهمیت است که شهر تهران از لحاظ جغرافیایی دارای تنوع و گوناگونی بسیاری است و همین موضوع به طور واسط یکی از عوامل تاثیر گذار متغیرهای وابسته تحقیق می‌باشند. تهران شهر مهاجر پذیر است که از سراسر کشور ایران مهاجران را پذیرفته است. از سوی دیگر شاید کمتر شهری دارای تنوع اقلیمی و جغرافیایی تهران وجود داشته باشد که این تنوع جغرافیایی سبب ایجاد محله‌های گوناگون با فرهنگ‌های مختلف و آداب و سنن گوناگون، تنوع اقتصاد بسیار متفاوت به‌گونه‌ای که مخارج زندگی در شمال شهر بیش از ده برابر جنوب آن است و جغرافیای آن بر این

تفاوت اثر گذار است. از این رو بسیار اهمیت داشت که بدانیم در این تنوع زیستی چه نتایجی از روابط ساکنان در کلان شهر تهران بدست می‌آید. بر این مبنا یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه متغیر سبک زندگی و گرایش به فردگرایی خودخواهانه مستقیم و مقدار همبستگی برابر $0,537$ ، رابطه متغیر رضایت از زندگی و گرایش به فردگرایی خودخواهانه معکوس و مقدار همبستگی برابر $0,647$ ، رابطه متغیر عام‌گرایی و گرایش به فردگرایی خودخواهانه معکوس و مقدار همبستگی برابر $0,608$ - و رابطه متغیر اعتماد اجتماعی و گرایش به فردگرایی خودخواهانه معکوس و مقدار همبستگی برابر $0,698$ - شده است. همچنین همبستگی جمعی چهار متغیر سبک‌زندگی شهری، رضایت از زندگی، عام‌گرایی، و اعتمادتعمیم یافته با گرایش به فردگرایی خودخواهانه برابر $0,785$ - و ضریب تعیین برابر $0,616$ به دست آمد. به عبارت دیگر متغیرهای سبک‌زندگی شهری، رضایت از زندگی، عام‌گرایی و اعتمادتعمیم یافته، به میزان $61,6$ درصد از تغییرات متغیر «میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه» را تبیین می‌کنند.

با توجه به نتایج به دست آمده که گویای بالا بودن میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه در جامعه شهروندان تهران بود و همچنین رابطه مستقیم گرایش به فردگرایی خودخواهانه و متغیر سبک زندگی شهری می‌توان نتیجه گرفت که نوع سبک زندگی شهری در بین افراد جامعه به سمت مدرنیته پیش رفته است. رواج، شکل‌گیری و گسترش شیوه‌های نو در زندگی بر اساس مبانی و ابزارهای مدرنیسم که تقریباً تمام سطوح زندگی انسان را پوشش داده، قسمت زیادی از جامعه ایران را تحت تاثیر فرهنگ جهانی قرار داده است. از طرف دیگر با توجه به گسترش تکنولوژی اطلاعات و رسانه‌های الکترونیکی زمینه‌های لازم برای محقق ساختن فرهنگ جهانی و ایجاد ساختارهای جدید و متناسب با فضای شکل گرفته در جامعه فراهم آمده است. لذا، با توجه به تاثیر فرایند تغییر سبک زندگی شهری بر افزایش گرایش به فردگرایی خودخواهانه لازم است به بررسی و تقویت سبک زندگی شهری، ایرانی در بین جوانان، نوسازی آن و موانع تقویت سبک زندگی شهری که در آن به جمع‌گرایی تاکید بیشتری شود که خود مستلزم تحقیقات گسترده و وسیع است، پرداخت. همچنین باید زمینه‌هایی را شناسایی و گسترش داد که شبکه ارتباطی بین مردم را گسترده می‌کند و با تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های مردمی به تقویت سبک زندگی شهری، ایرانی پرداخت. با گسترش و تقویت ارزش‌هایی مثل پوشش ایرانی، مهمان‌نوازی ایرانی، نوع دوستی، آداب و رسوم اصیل ایرانی در بین جوانان می‌توان سبک زندگی شهری ایرانی را در میان کلان شهر تهران گسترش داد. در نتیجه رابطه مستقیم بین سبک زندگی شهری و میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه در بین شهروندان تهرانی با این نظریه تبیین می‌شود.

با توجه به نتایج به دست آمده که گویای بالا بودن میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه در جامعه شهروندان تهران بود و همچنین رابطه معکوس گرایش به فردگرایی خودخواهانه و متغیر رضایت از زندگی، می‌توان نتیجه گرفت که میزان رضایت از زندگی در بین افراد جامعه پایین است. در فرهنگ‌هایی که سطوح بالای احترام به خود و خوش‌بینی وجود دارد، و احترام به خود بالا است، باعث بهزیستی درونی بالا و رضایت‌مندی از زندگی می‌شود. از طرفی در صورتی که میزان رضایت از زندگی بالا باشد، نتیجه آن کاهش گرایش به فردگرایی خودخواهانه خواهد

بود. با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی حاضر مبنی بر اینکه گرایش به فردگرایی خودخواهانه و میزان رضایت از زندگی رابطه معکوس دارند، می‌توان با تقویت ویژگی‌هایی چون بروز هیجان‌ات مثبت و افزایش فعالیت به افزایش شادی و سطح رضایت از زندگی افراد و در پی آن به کاهش گرایش به فردگرایی خودخواهانه کمک کرد. در نتیجه اثر معکوس تغییرات میزان رضایت از زندگی بر میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه در بین شهروندان تهرانی با این نظریه تبیین می‌شود.

با توجه به نتایج به دست آمده که گویای بالا بودن میزان گرایش به فردگرایی خودخواهانه در جامعه شهروندان تهران بود و همچنین رابطه مستقیم فردگرایی خودخواهانه و متغیر عام‌گرایی می‌توان نتیجه گرفت که میزان عام‌گرایی در بین افراد جامعه کاهش یافته است. بنابراین داده‌های پژوهش حاضر گواهی می‌دهند با بالا رفتن میزان اعتماد از محدوده خانواده و نظام خویشاوندی به حوزه‌های بسط‌یافته‌تر در مقیاس‌های فرامحلی در قلمروهای روستایی، شهری و ملی و افزایش آن، میزان فردگرایی خودخواهانه کاهش پیدا می‌کند. اعتماد تعمیم یافته به منزله یکی از مفاهیم نرم علوم اجتماعی که قدرت عمل کردن را تسهیل می‌نماید و تقویت‌کننده نظم و انسجام اجتماعی است و همچنین دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دارد، که افراد نسبت به یکدیگر و نهادهای اجتماعی دارند. بنابراین افزایش میزان اعتماد تعمیم یافته در قالب گسترش صداقت، وفاداری، حسن‌نیت، وظیفه‌شناسی، وفای به عهد، ثبات در اندیشه و عمل افراد موثر بوده و به تعبیری با تقویت اجتماع اخلاقی و تعهد عملی به التزام‌های اخلاقی در سطوح بین فردی، بین فرد و نهادها و نیز بین نهادی، فرایند اعتماد اجتماعی در سطوح اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و نیز اعتماد تعمیم یافته نسبت به نهادهای اجتماعی و مأمورانی که متولی و عامل در این نهادها هستند، قوت لازم را کسب خواهد کرد و زمینه ساز کاهش فردگرایی خواهد بود. در نتیجه اثر مثبت افزایش اعتماد تعمیم یافته بر میزان فردگرایی خودخواهانه در بین شهروندان تهرانی با این نظریه تبیین می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده که گویای بالا بودن میزان فردگرایی در جامعه شهروندان تهران بود و همچنین رابطه معکوس فردگرایی خودخواهانه و اعتماد تعمیم یافته می‌توان نتیجه گرفت که میزان اعتماد در بین افراد جامعه پایین است. بنابراین می‌توان گفت به هنگام افزایش فردگرایی خودخواهانه افراد در اثر کاهش عام‌گرایی، در فرایند کنش اجتماعی افراد ممکن است از جنبه ذهنیت خاص خود به نوع تعامل با دیگران بنگرند و براساس تصورات خود در جهت رسیدن به اهداف شخصی عمل کنند. در این حالت که فردگرایی خودخواهانه بر فرایند کنش اجتماعی تسلط می‌یابد تعامل بر مبنای ارزش‌های عمومی که بر بنیانی از تفکر جمعی قرار دارد، صورت نمی‌گیرد و در نتیجه، چنین ذهنیتی از تعمیم ارزش‌های مشترک اجتماعی ممانعت به عمل می‌آورد. در مقابل اگر عام‌گرایی افزایش و در پی آن فردگرایی کاهش یابد، آنگاه ذهنیت فرهنگی مشابهی از طریق تعمیم ارزش‌های اجتماعی مورد قبول جامعه، صورت عینیت می‌یابد و عملکرد افراد متأثر از این موضوع به سمت یکسان بودن و پیروی از ارزش‌های مشابه و مورد پذیرش جامعه حرکت می‌کند. با توجه به این مطالب می‌بایست مسئولان زیربسط نسبت به سطح عام‌گرایی در جامعه توجه ویژه داشته باشند و با به کارگیری راهکارهای ارائه شده توسط متخصصین علوم اجتماعی از جمله «توزیع

عادلانه ثروت در جامعه، شایسته سالاری در بین افراد جامعه و همچنین درونی سازی ارزش‌های اجتماعی در غالب فرهنگ‌ها و سنت‌ها مورد قبول جامعه» نسبت به ارتقای عام‌گرایی اقدام کنند. در نتیجه اثر معکوس تغییرات عام‌گرایی بر میزان فردگرایی خودخواهانه در بین شهروندان تهرانی با این نظریه تبیین می‌شود. نتایج به دست آمده در این تحقیق، در زمینه مورد بررسی نیز در ارتباط با تحقیقات مشابه می‌تواند مورد ارزیابی واقع گردد.

سعید آیباهی اصفهانی توضیح عادلانه درآمد سرانه و عدالت در رفاه اقتصادی را موجت رشد و توسعه اقتصادی همگون در جامعه می‌داند. این پژوهش با تاثیر نوع سبک زندگی که موجب افزایش فردگرایی خودخواهانه در شهر تهران شده است هم‌راستا می‌باشد (Saeed Aibaghi Esfahani et al., 2018:27-40)

مرتضی فرهادی، پس از انجام تحقیقات خود در رابطه با نظریه تکروی و فردگرایی تاریخی مردم ایران به‌ویژه مردم کشاورز، دلایلی برای وجود روحیه و فرهنگ جمع‌گرایی ایرانیان مطرح ساخته که می‌توان به شرایط طبیعی ایران، نیازهای اجتماعی و اقتصادی و وجود مذهب در راستای ایجاد روحیه همکاری و جمع‌گرایی به آن‌ها اشاره کرد و نتایج به دست آمده از پژوهش وی با نتایج این پژوهش در یک راستا می‌باشد (Farhadi, 2000: 172-185).

محمد رضا جوادی یگانه، در پژوهش خود در ارتباط با بررسی فردگرایی و جمع‌گرایی اجتماعی و آثار آن در سطح خرد و کلان، به این نتیجه رسید که الگوی فرهنگی فردگرایی با سطح توسعه اقتصادی در رابطه مثبت معنادار است، که در نتیجه این پژوهش با پژوهش حاضر هم راستا می‌باشد (Mohammad Reza Javadi Yeganeh, Seyed ZiaHashemi (2007). 131-161).

پری ناز بیدل، در پژوهش خود در ارتباط با رابطه اعتماد اجتماعی با فردگرایی افراطی در شهر مشهد، یافته‌های تحقیق نشان داد بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی رابطه منفی وجود داشت، که در نتیجه این پژوهش با پژوهش حاضر هم راستا می‌باشد (Perry Naz Biddle et al. (2014): 167-198)

علیرضا دربندی، در پژوهش خود در ارتباط با بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرایانه شهروندان تهرانی، به این نتیجه رسید که تمایل به همکاری بر جمع‌گرایی مؤثر است، که در نتیجه این پژوهش با پژوهش حاضر هم راستا می‌باشد (Alireza Darbandi (2006)

References

- August von Hayek, Friedrich. (2015). Individualism and Economic Order, translated by Mohsen Ranjbar, Tehran, Markaz Publishing.
- Ellahe Rabbi, Motahare (2015). Comparison of lifestyle components in healthy and unhealthy families, Master Thesis, Islamic Azad University, Marvdasht Branch.
- Inglehart, Ronald. (2017), Globalization and Cultural Diversity, translated by Abdullah Fazeli and Sajedeh Allameh, Tehran: Kavir Publishing.
- Baudrillard, Jean. (2018). Consumer society of myths and structures, translated by Khosrow Sabouri, Tehran, Shirazeh Publishing.
- Biddle, Parinaz; Mahmoudzadeh, Ali Akbar; Sadeghi, Ahmad (2014). The relationship between social trust and extreme individualism in Mashhad. Social Welfare Quarterly, Fourteenth Year, No. 55, p. 167- 198.

- Turner, Jonathan. H. and Bigley, L. .; (2005). Emergence of sociological theory, translated by Abdolali Lahsaeizadeh, Shiraz, first edition, academic publication.
- Triandis, Harry (2012). Culture and Social Behavior, translated by Nosrat Fati, Tehran, Rasanesh Publishing.
- Chalabi, Massoud (2013). Experimental study of the personality system in Iran, Tehran, Ney Publishing.
- Darbandi, Alireza (2006). Investigating the collectivist behavior and attitude of Tehran citizens. Master Thesis, Tarbiat Modares University.
- Zetomka, Piotr. (2012). Trust: Sociological Theory, translated by Gholamreza Ghaffari, Tehran, Shiraz Publishing and Research.
- Sadri Bi Balan, Sirus. (2016). Assessment of social trust and the factors affecting it among rice farmers in the east of Guilan province (Case study: Astaneh Ashrafieh), Master Thesis, University of Guilan.
- Taliban, Mohammad Reza (2017). "Social Engineering, Sociological Revival; Jonathan Turner's Perspective, Cultural Strategy Quarterly, Volume 10, Number 40, pp. 14-30.
- Abdollahi Gazafroudi, Behnaz. (2016). Study of the mediating role of self-control in the relationship between religiosity and happiness, psychological well-being and life satisfaction, Master Thesis, Al-Zahra University.
- Abdullahi, Adel (2016). The Dialectic of Generalism and Specialism and Development-Oriented Cultural Change, Iranian Journal of Social Development Studies, Year 9, Issue 1, pp. 59-73.
- Farhadi, Morteza (2000). Because of the reasons for the theory of monotheism and historical individualism of Iranians, especially farmers. Social Science Quarterly, First Year, Vol. 5, pp. 1-20.
- Kivisto, Patrick. (2018). Fundamental Thoughts in Sociology, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney Publishing.
- Giddens, Anthony. (2018). Giddens Sociology, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney Publishing.
- Lehman, Jennifer (2011). Durkheim's deconstruction, (post-structuralist critique), translated by Shahnaz Mesmiparast, Tehran: Mehrovista Publishing, first edition.
- Mirzaei, Hossein (2005). Sociological study of individualism in Iran (with emphasis on the survey of residents of Tehran), PhD thesis in Sociology, University of Tehran.
- Mirzaei, Khalil (2015). Descriptive Culture of Social Sciences, Tehran: Foujan Publications.
- Caseno, Jean. (2008). Sociology of Mass Media, translated by Manouchehr Mohseni, Baqer Sarukhani, Tehran: Information Publications, 10th edition.
- Dan, Robert J.. (2014). Social Critique of Postmodernity, Identity Crises, translated by Saleh Najafi, Tehran: Pardis Danesh Publications, Second Edition.
- Edinea alcantara, Fatima furtado, circe monteiro(2012) solidarity and mutual assistance in low-income communities: every practices to overcome scarcity and improve quality of life, recife, brazil, social and behavioral sciences, 35: 344- 352
- Hofstede, G. (2003). Cultures & organizations, London: Profile books LTD.
- Paskov, M. and Dewilde, C. (2012) Income inequality and solidarity in Europe. J. Research in Social Stratification and Mobility, 30: 415-432.
- Triandis, H. C (2015). Collectivism and Individualism: Cultural and Psychological Concerns, Pages 206-210.
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/tehran>
- <https://www.amar.org.ir>
- <http://www.isa.org.ir/> Religion in Tehran
- <http://www.tehran.ir/> History of Tehran
- <https://www.beytoote.com/iran/tafrihi/tourist4-attractions-tehran.html>
- Saeedeh Aybaghi Esfahani et al. (2018). Financial and institutional development and their relationship with Iran's economic growth. Journal of New Attitudes in Human Geography. Year 10. Issue 4. Autumn 1397. Pages 27-40

- Davood Ghorbani et al. (2019). Analysis of Geographical Justice in the Post-Cold War International System Based on John Rawls Theory. *Journal of New Attitudes in Human Geography*. Year 11. No. 4. Fall 1398. pp. 283-305
- Razieh Hamzavi et al. (2019). The role of architecture of educational spaces in the transmission of culture through behavioral sciences (Case study: the first high schools Sharp intelligence of Shiraz). *Journal of New Attitudes in Human Geography*. Year 11. No. 4. Fall 1398. pp. 541-559
- Mohsen Habibi, Mina Rezaei (2013). City-Modernity-Cinema. Exploring the works of Ibrahim Golestan. *Journal of Fine Arts. Architecture and Urbanism*. Volume 18. Number 2. Summer 1392. Pages 5-16
- Reza Ashja et al. (2019). Satisfaction assessment of health tourists based on ACSI model (Case study: Sardabeh tourist area). *Journal of New Attitudes in Human Geography*. Year 11. No. 4. Fall 1398. pp. 39-58
- Ali Sadeghi et al. (2020). Evaluate the spatial structure of the city and its relationship with residential satisfaction. Case study: District 17 of Tehran. *Journal of New Attitudes in Human Geography*. Year 12. No. 4. Fall 1399. pp. 520-538.
- Ali Asghar Ismailpour Roshan. Heshmat Mehr Azin (2018). The Role of Government Policy in Urban Promotion with Emphasis on Health, a Case Study of District 15 of Tehran. Year 10. No. 4. Fall 1397. pp. 214-229.
- <https://omransttu.blogspot.com/2009/post-> Department of Civil Engineering, Sabzevar Teacher Training University,
<https://gitashenasi.com/Provinces-map-of-Iran>
- Mohammad Reza Javadi Yeganeh, Seyed Zia Hashemi (2007). A New Look at the Controversy of Individualism and Collectivism in Sociology. *Social Science Letter*. No. 33. Spring 2008. Page 131-161

Sociological study of cities and villages by analyzing individualistic tendencies (Case study: Citizens of Tehran)

Farshad Najafi Asadollahi

Ph.D. Student, Department of Sociology, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Majid Kafashi*

Associate Professor, Department of Sociology, Roodehen Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Behrang Sedighi

Assistant Professor, Department of Sociology, Roodehen Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

One of the characteristics of urban geography is the creation of modernity and the concept of individualism that arises from this geography. The various aspects of individualism must be taken into account in its analysis and explanation. The next dimension that one pursues for self-interest is called vertical individualism. In this study, the effects of lifestyle factors, life satisfaction, Universalism, and generalized trust on the tendency for vertical individualism are investigated. This paper is applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of type of analysis. From all residents of Tehran who were more than 25 years old, the sample size was 400 using Cochran formula. The method of data collection was multistage cluster sampling using a researcher-made questionnaire. The findings of the study indicate that the relationship between lifestyle variable and tendency to vertical individualism, inverse and correlation value is -0.537, relationship between life satisfaction variable and tendency to vertical individualism, inverse and correlation value is -0.647, and the relationship between variable Universalism and The tendency for vertical individualism, the inverse and the correlation value was -0.608, and the relationship of the generalized trust variable, and the tendency for the vertical individualism, the inverse, and the correlation value was -0.698. Also, the four variables of life style, life satisfaction, Universalism and generalized confidence with tendency to vertical individualism were -0.785 and coefficient of determination equal to 0.616. In other words, lifestyle variables, life satisfaction, Universalism, and generalized confidence, account for 61.6% of the variations in the "vertical orientation tendency".

Keywords: Individualism, Lifestyle, Life Satisfaction, Universalism, Generalized trust

* (Corresponding author) Majidkaffashi@Gmail.com